بیانات مقام معظم رهبری در مراسم سی‌وچهارمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (رحمه‌ا‌)



در جوار مرقد مطّهر امام راحل(۱)

بسم ا‌ الرّحمن الرّحیم

و الحمد ‌ ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا و نبیّنا ابی‌القاسم المصطفی محمّد و علی آله الاطیبین الاطهرین المنتجبین الهداة المهدیّین المعصومین المکرّمین لا سیّما بقیّة ا‌ فی الارضین.

سلام خدا بر روح مطهّر امام بزرگوار ما. امام بزرگوار، پرچم برافراشته‌ی رسالتهای الهی در عصر جاهلیّت مسلّح قرنهای اخیر بود.

سی و چند سال است که این جلسه‌ی باشکوه و مبارک تشکیل میشود؛ موضوع بحث در این جلسه در همه‌ی این سالها عمدتاً امام بزرگوار بوده است؛ صحبتی که وقت این جلسه را بیشتر به خود مشغول کرده است،

درباره‌ی امام بزرگوار و عزیز ما است. به نظر من نسلهای جدیدِ این کشور به آشنایی بیشتر با امام بزرگوار نیازمندند؛ ما قدیمی‌ها هم همین‌جور. همه‌ی ما نیازمند این هستیم که با ابعاد این شخصیّت چندبعدی و باعظمت بیشتر آشنا بشویم؛ این در پیشرفت ما، در ادامه‌ی راه ما به ما کمک خواهد کرد. امروز هم من چند نکته درباره‌ی امام بزرگوار عرض خواهم کرد؛ یک مطلبی هم درباره‌ی خودمان و درسی که باید بگیریم و کاری که باید انجام بدهیم.

امّا درباره‌ی امام بزرگوار اوّلین نکته این است که امام از سرآمدان تاریخ ما است؛ نه فقط از سرآمدان روزگار ما. سرآمدان کسانی هستند که در هر رشته‌ای، در هر بخشی از بخشهای معارفی و عملیِ انسانها دارای عظمتند. در میان بزرگان و اشخاص باعظمت، بعضی‌ها یک سر و گردن از دیگران برترند که به اینها میگوییم سرآمد. در هر روزگاری سرآمدانی وجود دارند لکن بعضی‌ها مخصوص روزگار خودشان نیستند، [بلکه] سرآمد تاریخند.

سرآمدان را نمیشود از حافظه‌ی تاریخ حذف کرد؛ نکته‌ی مهمّ مورد توجّه ما این است. سرآمدان را نه میشود حذف کرد، نه میشود تحریف کرد. نه اینکه تبلیغات مخالفین نتواند چهره‌های سرآمدان را بد معرّفی کند؛ چرا، رسانه‌های تبلیغاتی که روزبه‌روز هم مدرن‌تر میشوند، امروزی‌تر میشوند، مجهّزتر میشوند، میتوانند شب را روز و روز را شب معرّفی کنند، میتوانند درباره‌ی چهره‌های برجسته و منوّر هم دروغ‌پردازی کنند، امّا این کفِ روی آب است، این «فَاَمّا الزَّبَدُ فَیَذهَبُ جُفاءً»(۲) است. خورشید زیر ابر باقی نمیماند. ابن‌سینا و شیخ طوسی، بعد از هزار سال از دورانِ خودشان، امروز میتوانند خودشان را با صدای رسا معرّفی کنند؛ شخصیّت آنها را نمیشود محو کرد، نمیشود از حافظه‌ی تاریخ زدود، نمیشود تحریف هم کرد. ابعاد شخصیّت امام بزرگوار ما از ابن‌سینا و شیخ طوسی وسیع‌تر است، متنوّع‌تر است. خصوصیّاتی که در تشکیل شخصیّت امام بزرگوار دخالت دارند، بمراتب بیشتر است از خصوصیّاتی که در شخصیّت آن‌گونه برجسته‌ها و سرآمدها حضور دارند. امام یک سرآمدِ همه‌جانبه است؛ هم در دانشهای دینی سرآمد است ــ امام در فقه، در فلسفه، در عرفان نظری، سرآمد است ــ هم در ایمان و تقوا و رفتارهای پرهیزکارانه سرآمد است، هم در استحکام شخصیّت و قوّت اراده سرآمد است، هم در قیامِ ـ و سیاست‌ورزیِ انقلابی و ایجادِ تحوّل در نظامِ بشری سرآمد و یگانه است. این خصوصیّات در هیچ‌کدام از سرآمدانِ تاریخِ ما با هم جمع نشده است، [امّا] در امام بزرگوار این خصوصیّات با همدیگر جمع است. نتیجه اینکه این امام بزرگوار را هیچ‌کس نمیتواند از حافظه‌ی تاریخ محو کند، نه امروز و نه در قرنهای آینده، و نمیتواند شخصیّت او را تحریف کند؛ چند صباحی ممکن است دروغ‌پردازی بشود، تحریف شخصیّت بشود، امّا در نهایت چهره ی درخشان امام، خود را با صدای رسا به همه معرّفی میکند؛ این خورشید را پشت ابر نمیشود نگه داشت؛ این نکته‌ی اوّل.

نکته‌ی بعد این است که امام بزرگوار ما سه عمل عظیم و بزرگ و تاریخی انجام داد، سه تحوّل بزرگ به وجود آورد، یکی در سطح کشور ایران، یکی در سطح امّت اسلامی، و یکی در سطح جهان؛ این سه تحوّل، هیچ کدام سابقه ندارد، شاید انسان نتواند پیش‌بینی کند که شبیه اینها و نظیر اینها در آینده هم به وجود بیاید؛ این مخصوص امام بزرگوار بود.

امّا تحوّل در سطح کشور این بود که انقلاب اسلامی را در این کشور به وجود آورد؛ انقلاب را مردم انجام دادند امّا امام به وجود آورد. این انقلاب، یک ساخت سیاسی سلطنتی را در هم شکست و مردم‌سالاری را جایگزین آن کرد؛ این انقلاب، یک نظام دست‌نشانده و ذلیل در مقابل قدرتها را از میدان خارج کرد و یک نظام مستقل و متّکی به عزّت ملّی را جایگزین آن کرد؛ این انقلاب، یک حکومت ضدّ اسلام را از میدان خارج کرد، به جای آن یک حکومت اسلامی پایه‌گذاری کرد و بنا نهاد؛ این انقلاب، استبداد را به آزادی، بی‌هویّتی روزافزون این ملّت را به هویّت ملّی و به اعتماد به نفْس تبدیل کرد؛ این انقلاب، یک ملّت چشم‌دوخته‌ی به دست اجانب را به نیروی «ما میتوانیم» مجهّز کرد. اینها معجزه‌های این انقلاب عظیم و این تحوّل بزرگی است که امام بزرگوار در سطح کشور به وجود آورد. این «ما میتوانیم» که گفتم، کلید حلّ همه‌ی مشکلات است. ما مشکلات داشته‌ایم و داریم و خواهیم داشت، امّا آن چیزی که میتواند این مشکلات را برطرف کند و مشکلات گذشته را برطرف کرده و در آینده هم علاج مشکلات ما است، همین روحیه‌ و نیروی «ما میتوانیم» است که انقلاب امام بزرگوار در این کشور این روحیه را به وجود آورد.

امّا آنچه در سطح امّت اسلامی روی داد ـــ تحوّل در سطح امّت ـــ [این بود که] امام جریان بیداری اسلامی را به راه انداخت. دوره‌ی انفعال و بی‌تحرّکی در دنیای اسلام، با حرکت امام، به سمت ضعف و نابودی حرکت کرد. امروز امّت اسلامی نسبت به دوران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و دوران قبل از امام، پُرتحرّک‌تر، فعّال‌تر، آماده‌تر، سرزنده‌تر است، اگرچه همچنان نیاز به بیشتر کار کردن در این زمینه محسوس است. مسئله‌ی فلسطین پس از آنکه به خیال صهیونیست‌ها و پشتیبانانشان یک مسئله‌ی تمام‌شده به حساب می‌آمد و دیگر بنا نبود فلسطینی مطرح بشود، با حرکت امام و تحوّل امام در سطح امّت اسلامی، به مسئله‌ی اوّل جهان اسلام تبدیل شد. امروز مسئله‌ی فلسطین، مسئله‌ی اوّل جهان اسلام محسوب میشود. امروز فلسطین در کانون توجّه ملّتهای مسلمان است. طنین صدای رهبران فلسطینی از فراز سفارت رژیم صهیونیستی در تهران در اوّل انقلاب، دنیا را تکان داد و به لرزه درآورد؛ همه فهمیدند که دوران جدیدی در زمینه‌ی فلسطین آغاز شده است؛ در کالبد افسرده‌ی ملّت فلسطین جانی دمید و امروز شما می‌بینید که ملّت فلسطین حضور خودش را با قوّت و قدرت اثبات میکند و سخن خودش را به دنیا میرساند. در روز قدس نه فقط در ایران یا در تهران، حتّی در پایتختهای جهان غیر مسلمان، مردم

از فلسطینی‌ها حمایت میکنند و دفاع میکنند؛ این هم تحوّل در سطح امّت.

تحوّل سوّم، تحوّل در سطح جهان است. امام فضای معنویّت و توجّه معنوی را در دنیا زنده کرد، حتّی در کشورهای غیر مسلمان. معنویّت در زیر لگدکوبیِ سیاستهای مادّی‌گری و ضدّ معنوی از بین رفته بود. واکنش مردم در مقابل تهاجم دستگاه‌های صهیونیستی و استکباری برای ترویج مادّه‌گرایی، واکنش منفعلانه‌ای بود. معنویّت از یادها رفته بود. حرکت امام بزرگوار، رنگ معنوی را در دنیا دوباره زنده کرد. البتّه این نکته‌ی آخر با واکنش شدید همان مراکز قدرت مواجه شده و [آنها] امروز با انگیزه‌ی بیشتر، تهاجم به معنویّت را در سطح دنیا به هر جا که بتوانند، با شیوه‌های مخصوص خود دارند پیش میبرند، که بعضی از شیوه‌های آنها آن‌قدر مفتضح است که انسان از اسم بردن آنها خجالت میکشد. این هم نکته‌ی دوّم درمورد امام. پس نکته‌ی اوّل عبارت بود از اینکه نمیشود امام را از حافظه‌ی تاریخ محو کرد؛ امام زنده است. فریاد امام، سخن رسای امام خاموش‌نشدنی است، و نکته‌ی دوّم اینکه امام با همان شخصیّت مهم و سرآمدیِ خود، این سه تحوّل بزرگ را به وجود آورد.

نکته‌ی بعد، نکته‌ی مهمّی است؛ آن نکته‌ این است که ما از خودمان سؤال میکنیم که امام این کارهای بزرگ را به پشتیبانی و کمک کدام عاملِ سخت‌افزاری یا نرم‌افزاری انجام داد؟ آن عاملی که توانست به امام کمک کند و امام را در این میدان پیش ببرد و او احساس خستگی نکند و بتواند این کارهای بزرگ را انجام بدهد و این کوه‌های بزرگِ موانع را از سر راه بردارد، چه بود؟ امام، عامل کمک‌کننده‌ی سخت‌افزاری نداشت؛ نه پول داشت، نه ابزار تبلیغی داشت، نه رادیو داشت، نه خبرگزاری داشت، نه هیچ‌کدام از سیاستهای دنیا از او حمایت میکردند و [به او] کمک میکردند. عامل سخت‌افزاری امام، یک صفحه‌ کاغذ بود که بیانیّه در آن بنویسد، یک تکّه نوار بود که صدای او را ضبط کند و به گوش این و آن برساند؛ عامل سخت‌افزاری و کمک‌کار سخت‌افزاری نداشت؛ هر چه بود، در کمکِ عامل نرم‌افزاری امام بود؛ عامل نرم‌افزاری امام چه بود؟ این مهم است.

این عامل نرم‌افزاری را میتوان با بیانهای مختلف بیان کرد. من امروز دو عنوان را، دو تعبیر را از این عامل کمک‌کننده‌ی به امام انتخاب کرده‌ام و اینها را میخواهم مطرح کنم؛ آن دو عامل عبارت است از «ایمان» و «امید». آن چیزی که امام را در این راه پیش برد، او را قادر کرد که این تحوّلهای عظیم را در سطح کشور، در سطح امّت، در سطح جهان برای طول تاریخ به وجود بیاورد، عبارت بود از ایمان او و امید او؛ ایمان و امید.

شهید مطهّری (رضوان ا تعالی علیه) در پاریس یک ملاقاتی با امام کرده بود ـــ خود شهید مطهّری کوه

ایمان بود؛ او در مقابل ایمانِ امام اظهار حیرت و شگفتی میکرد ــ ایشان بعد از برگشتن گفت که من چهار ایمان در امام مشاهده کردم: یکی ایمان به هدف؛ هدف یعنی اسلام؛ هدف امام اسلام بود؛ یکی ایمان به راه؛ راهی که در پیش گرفته بود؛ راه امام راه مبارزه بود؛ یکی ایمان به مردم، به مؤمنین؛ یعنی همان چیزی که خداوند متعال درباره‌ی پیغمبر میفرماید: یُؤمِنُ بِاللهِ وَ یُؤمِنُ لِلمُؤمِنین؛(۳) که حالا من بعد چند جمله‌ای در این باره عرض خواهم کرد؛ و چهارم، از همه بالاتر، ایمان به رب، ایمان به خدا، اعتماد به خدا. من درباره‌ی این ایمان چهارم ــ ایمان به خدا ــ یک توضیحی بدهم.

وقتی که ما ایمان به خدا را در مسائل عینی، در مسئله‌ی مبارزه با استکبار مطرح میکنیم، معنای ویژه‌ای دارد. ایمان به خدا در این مقام به معنای ایمان به وعده‌های الهی است. خدای متعال در قرآن وعده‌هایی داده است که این وعده‌ها تخلّف‌ناپذیر است. وعده داده است «اِن تَنصُرُوا اللَهَ یَنصُرکُم وَ یُثَبِّت اَقدامَکُم»؛(۴) وعده داده است که «وَ لَیَنصُرَنَّ اللَهُ مَن یَنصُرُه»؛(۵) وعده داده است که «اِنَّ اللَهَ یُدافِعُ عَنِ الَّذینَ آمَنوا»؛(۶) وعده داده است که «وَ اَمّا ما یَنفَعُ النّاسَ فَیَمکُثُ فِی الاَرض»؛(۷) اگر خدا را نصرت کنید خدا به شما ثبات قدم خواهد داد و شما را نصرت خواهد کرد؛ آنچه به سود مردم است، ماندگار است، ماندنی است و کفهای روی آب، رفتنی است و ناحق و باطل همان کف روی آب است و حق یعنی حقیقت اسلام، عبارت است از آنچه خواهد ماند؛ اینها وعده‌های الهی است؛ اِنَّ اللَهَ لا یُخلِفُ المیعاد؛(۸) خدا وعده‌های خودش را تخلّف نخواهد کرد. ایمان به اله، ایمان به رب که شهید مطهّری از قول امام نقل میکند، معنایش این است؛ یعنی به وعده‌های الهی ایمان دارد، اعتقاد دارد؛ این کجا، و اینکه کسی وارد یک راهی بشود، بگوید برویم ببینیم حالا چه میشود کجا؟ اعتماد به وعده‌ی الهی است که گام مستحکم امام را در این راه به حرکت درمی‌آورد.

ایمان به اسلام یکی از آن چهار ایمانی است که از قول امام نقل شده است. امام (رضوان الله علیه) این اسلام را در بیانات متعدّد خودش معرّفی کرده است. این اسلام، نه اسلام سرمایه‌داری است، نه اسلام التقاطیِ روشنفکرنماهایِ بی‌اطّلاع و بی‌خبر.

امام، در فهم اسلام و تبیین اسلام، نه این نظراتِ سستِ به‌اصطلاح روشنفکرانه را قبول میکند ــ نظراتی که تشرّع اسلامی را قبول ندارند، فقه اسلامی را قبول ندارند، ادّعای اسلام هم میکنند! اینها را امام قاطعاً رد میکند ــ و نه اسلامِ افرادِ متحجّر که توانایی‌ِ این را ندارند که یک استنباط نو از متون اسلامی را بفهمند و قبول کنند و به آن باور داشته باشند؛ هیچ کدام از اینها را امام نمیگوید. امام، اسلام کتاب و سنّت با اجتهاد متقن و فهم درست از اسلام [را در نظر دارد]؛ این، اسلام

امام بزرگوار است. اسلامِ افرادِ متحجّری را که اسم اسلام را می‌آورند، درس اسلام را ممکن است زمزمه هم بکنند، امّا اسلامی را که بیشترِ احکامش مربوط به زندگی اجتماعی و حکومت و سیاست است قبول ندارند، و بی‌مسئولیّتی را در امور سیاست و امور اجتماعی ترویج میکنند، امام قبول ندارد. این هم اسلام.

ایمان به مردم. «یُؤمِنُ بِاللهِ وَ یُؤمِنُ لِلمُؤمِنین» را که در آیه‌ی کریمه‌ی قرآن هست، ممکن است بعضی جور دیگری معنا کنند؛ معنای درست «یُؤمِنُ لِلمُؤمِنین» همان «یؤمن بالمؤمنین» است. «ایمان»، در استعمالات قرآن کریم، با لام متعدّی شده؛ مثلاً «فَآمَنَ لَهُ لوط».(۹) «یُؤمِنُ لِلمُؤمِنین» یعنی اعتماد به مردم، اعتقاد به مردم. در طول این سالها مکرّر افرادی پیش امام اظهار نگرانی میکردند که ممکن است مردم تاب نیاورند و نتوانند این راه دشوار و سنگین را با گامهای امام طی کنند؛ امام میفرمود نه، من مردم را بیشتر از شما و بهتر از شما می‌شناسم؛ و حق با او بود؛ میدانست که مردم اگر تشخیص بدهند که این راه، راه خدا است، همه‌ی مشکلات را در این راه تحمّل میکنند. خانواده‌های شهیددادهٔ این فهم امام را تصدیق کردند؛ جوانهای فداکار در طول این سالهای متمادی، این برداشت امام را تأیید کردند؛ اجتماعات عظیم ملّت ایران در بزرگداشت دین و مسائل دینی و مباحث انقلابی، این برداشت امام را تأیید کرد. امام به مردم اعتماد داشت؛ هم به عمل مردم، و به انگیزه‌های مردم، هم به رأی مردم. جمهوری اسلامی، این مردم‌سالاری در جمهوری اسلامی، کلمه‌ی «جمهوری»، ناشی از همین اعتماد امام بزرگوار به مردم بود. بعضی‌ها با برداشتهای غلطِ خودشان این حرکت امام را جور دیگری فهمیدند، جور دیگری بیان کردند؛ این‌جور وانمود کردند که امام کلمه‌ی جمهوری را از روی رودربایستی گفت! امام آدمی که در رودربایستی گیر کند نبود. امام کسی نبود که به خاطر خوشامد این و آن حرفی بزند؛ اعتقادش بود؛ لذا مردم‌سالاری را مطرح کرد. امام در اواخر عمرشان تصریح کردند که به آن رئیس‌جمهورِ اوّل رأی نداده بودند.(۱۰) میگفتند رأی داده، [ولی] امام تصریح کردند که من به فلان کس رأی ندادم؛ امّا همان رئیس‌جمهوری که خود امام او را قبول نداشت و [به او] رأی نداده بود، تنفیذ کرد؛ چرا؟ چون مردم رأی داده بودند؛ برای رأی مردم اعتبار قائل بود؛ فکر مبنائی امام این بود. خب، این ایمان امام با ابعاد مختلفش در یک کلمات کوتاهی که عرض کردیم.

و امّا «امید» امام. امید در دل امام یک عنصر دائمی بود. امید، موتور حرکت امام بزرگوار بود. این امید در رفتار امام، در گفتار امام بوضوح دیده میشود. امام در دهه‌ی ۲۰، در آن نوشته‌ی معروف، از قیام ۱۵ سخن میگوید؛(۱۱) آیه‌ی «اَن تَقوموا لِلّهِ مَثنیٰ وَ فُرادیٰ»(۱۲) را [نوشته است]. آن نوشته‌ای که به خطّ خود امام است و امروز در کتابخانه‌ی مرحوم وزیری در یزد حفظ میشود، مال دهه‌ی

۲۰ است. در دهه‌ی ۴۰، این قیام را به طور عملی خودش انجام داد و وارد میدان قیام شد. در دهه‌ی ۶۰ که دهه‌ی طوفانهای مهیب(۱۳) نظامی و امنیّتی و سیاسی بود، خم به ابرو نیاورد. از دهه‌ی ۲۰، تا دهه‌ی ۴۰، تا دهه‌ی ۶۰، این رشته‌ی پایان‌نیافتنی امید، این سرچشمه‌ی جوشان امید در دل امام، این تأثیرات را گذاشت. خود امام بزرگوار در یک بیانی که در نوشته‌های ایشان ثبت شده و منتشر شده، میگوید که من در طول سالهای مبارزه تا پس از پیروزی هرگز دچار یأس نشدم و معتقد بودم که وقتی ملّت چیزی را بخواهد، آن چیز حتماً تحقّق پیدا میکند.(۱۴) این امید امام هم ناشی از ایمان او بود. وقتی شما ایمان روشنی به مبدأ حقیقی و به خدای متعال دارید، این شعله‌ی امید در دل شما روشن خواهد بود و خاموش نمیشود. امید و ایمان روی هم اثر میگذارند. ایمان امیدآفرین است. تحقّق امیدها ایمان را افزایش میدهد؛ اینها روی هم تأثیر میگذارند.

البتّه وقتی میگوییم امید، نباید امید را با تصوّرات و خیالات فریبگر اشتباه کرد. امید یعنی آن حالتی که با حرکت همراه است؛ با تنبلی و سکون نمیسازد. کسی که امید دارد به اینکه به سرمنزل برسد، راه میرود. اینکه کسی بنشیند و در عین حال امیدوار باشد که به منزل خواهد رسید، این نشدنی است؛ این فریبگری، در روایات و ادعیه به «اغترار با» تعبیر شده است که مذمّت شده؛ اینکه انسان بدون حرکت، بدون تلاش آرزو بکند که به یک مقصودی برسد؛ نه، تلاش لازم است؛ امام این امید را داشت و تلاش میکرد.

خب تا اینجا مربوط به امام بزرگوار که این سه نکته‌ی اساسی را در مورد امام عرض کردیم. حالا ما هستیم و درس گرفتن از امام. امروز امام به ما چه توصیه‌ای میکند؟ برادران عزیز، خواهران عزیز، ملّت عظیم ایران، جوانان خوش‌روحیه و پُرتلاش سراسر کشور! باید به توصیه‌ی امام گوش فراداد. امام بزرگ است، سرآمد است، زنده است، با ما حرف دارد، با ما حرف میزند. ما هم راه طولانی‌ای در پیش داریم؛ ما هم کارهای بزرگی در پیش داریم؛ [لذا] احتیاج به توصیه‌ی امام داریم. امام به ما چه توصیه‌ای میکند؟ یقیناً بزرگ‌ترین توصیه‌ی امام، ادامه [دادن] راه اوست، نگهبانی از میراث اوست؛ این بزرگ‌ترین توصیه‌ی امام بزرگوار ما است. ما باید همان سه تحوّلی را که امام در داخل کشور، در سطح امّت و در سطح جهان ایجاد کرد، تعقیب کنیم، دنبال کنیم، حفظ کنیم. دنبال کردن این هدف امروز البتّه اقتضائاتی دارد که با اقتضائات زمان امام فرق میکند؛ این را میدانیم. مسلّماً در دوران هوش مصنوعی و کوانتوم و اینترنت و امثال این پیشرفتهای علمی، نمیشود با همان شیوه‌های چهل سال قبل، دوران تلفن‌های کذایی و ضبط‌صوت‌های کذایی، با آن ابزارها امروز کار کرد. امروز برای پیشرفت این هدف، ابزارها بایستی متناسب با زمان انتخاب بشود؛ تردیدی در این نیست. ابزارها تغییر پیدا میکند، امّا آنچه تغییر پیدا نمیکند جبهه‌بندی‌ها است. جبهه‌بندی‌ها عوض نشده است، تغییر پیدا

نکرده است و تغییر پیدا نخواهد کرد. هدفها تغییر پیدا نمیکند؛ جبهه‌بندی‌ها تغییر پیدا نمیکند؛ جبهه‌ی دشمن، جبهه‌ی استکبار، جبهه‌ی زورگویی، جبهه‌ی صهیونیسم و قدرتمندان زورگو و متجاوز عالم، امروز هم مثل دیروز در مقابل ملّت ایران صف کشیده‌اند؛ البتّه تفاوتی که امروز در این جبهه‌بندی ایجاد شده، این است که ملّت ایران قوی‌تر شده، آنها ضعیف‌تر شده‌اند؛ ولی جبهه‌بندی همان جبهه‌بندی است. آنچه میتواند مثل درّه‌ی خطرناکی در مقابل حرکت ما بُروز بکند، این است که ما این دشمنی را فراموش کنیم، این جبهه‌بندی را فراموش کنیم. هر وقت فراموش کردیم، ضربه خوردیم. این تحوّلهایی که امام ایجاد کرد و امروز ملّت ایران نیاز دارد، احتیاج دارد که اینها را دنبال بکند و حیات او، قدرت او، عزّت او، اصلاح کار ملّت ایران، وابسته‌ی به دنبال کردن این تحوّلات امام است، این تحوّلها دشمنان سرسختی دارد، دشمنان پُربغض‌وکینه‌ای دارد. در همه‌ جای دنیا آن کسانی که در فکر تجاوز به ملّتها و کشورهای دیگر هستند، هر کشوری را که بتوانند به او تعرّض کنند، تعرّض میکنند؛ پایگاه میسازند، نفتش را میبرند، مردمش را قتل عام میکنند؛ آنجایی که بتوانند، هر جنایتی بتوانند انجام میدهند؛ این وجود دارد. خب اگر چنانچه در مقابل این حرکت، ملّت ایران بخواهد حرکت کند، به چه چیزی احتیاج دارد؟ من عرض میکنم، احتیاج دارد به همان نرم‌افزاری که امام در وجود خود داشت و به مردم توصیه میکرد؛ یعنی ایمان و امید.

این را هم بخصوص جوانهای ما توجّه داشته باشند که دشمنی استکبار با ملّت ایران با عقب‌نشینی‌های موضعی از بین نمیرود. بعضی‌ها اشتباه میکنند، خیال میکنند [اگر] ما در فلان قضیّه عقب‌نشینی کنیم، این موجب میشود که دشمنی آمریکا یا دشمنی استکبار جهانی یا صهیونیست‌ها با ما کمتر بشود؛ نه، این خطا است. در موارد متعدّدی عقب‌نشینی‌های ما موجب شد که آنها جلو آمدند و بیشتر متعرّض شدند. در برخی از دولتهای این چند دهه، بودند کسانی که عقیده‌شان این بود باید در یک مواردی به طرف مقابل، به جبهه‌ی مقابل امتیاز بدهیم و یک مقدار عقب‌نشینی کنیم. در یکی از این دولتها، همان کشورهایی که ما در مقابل آنها عقب‌نشینی کرده بودیم، رئیس‌جمهور ما را به دادگاه غیابی کشاندند؛ برای رئیس‌جمهور ایران کیفرخواست در دادگاه صادر کردند. (۱۵) در یکی از آن دولتها که متأسّفانه گویا کمک هم به آمریکایی‌ها شده بود، ایران را «محور شرارت» نامیدند.(۱۶) اینها به این عقب‌نشینی‌ها راضی نمیشوند. آنچه آنها میخواهند، این است که ایران را به دوران قبل از انقلاب برگردانند؛ ایران وابسته، ایران بی‌هویّت، ایران چشم‌دوخته‌ی به دست این و آن؛ آنها این را میخواهند. آنها با این عقب‌نشینی‌ها قانع نمیشوند؛ اشتباه نکنیم.

آنچه من به ملّت ایران، به شما جوانهای عزیز عرض میکنم، این است: من میگویم هر که ایران را دوست دارد، هر که منافع ملّی کشور را دوست دارد، هر که بهبود اوضاع اقتصادی را دوست دارد، از مشکلات

اقتصادی و معیشتی رنج میبرد و میخواهد آن را اصلاح کند، هر که به دنبال جایگاه باعزّت ایران در نظم جهانیِ پیش رو است، هر که این چیزها را دوست دارد، باید برای ترویج ایمان و ترویج امید در ملّت تلاش کند؛ این وظیفه است؛ این وظیفه‌ی همه‌ی ما است؛ این همه‌ی حرف من با نخبگان، با هسته‌های انقلابی، با مجموعه‌های سیاسی، با همه‌ی آحاد مردم متعهّد است. باید همه‌ی ما تلاش کنیم تا در این کشور ایمان و امید زنده بماند.

توصیه‌ی من تقویت ایمان و امید است، و آماج دشمن هم همین ایمان و امید است. تلاش وسیع دشمنان ــ که حالا چند جمله‌ای عرض خواهم کرد ــ متوجّه این است که ایمان و امید را در مردم از بین ببرد؛ ایمان مردم را تضعیف کند، شعله‌ی امید را در دلهای مردم، بخصوص جوانان خاموش کند. ما توصیه میکنیم باید ایمان و امید را تقویت کرد. دشمن تلاش میکند ایمان و امید را از بین ببرد. حفظ استقلال ملّی، به ایمان و امید است. حفظ عزّت ملّی، حفظ منافع ملّی، با ایمان و امید است؛ اینها همه دشمن دارد. حفظ منافع ملّی ما دشمنان عنودی دارد، دشمنان لجوجی دارد؛ هر کاری از دستشان بربیاید میکنند و تا امروز کرده‌اند. در این چند دهه، دستگاه‌های عنود و لجوج استکبار و دستگاه‌های امنیّتی‌شان و دستگاه‌های سیاسی‌شان و پشتیبانی مالی‌شان، هر کار توانستند علیه ملّت ایران انجام دادند؛ در موارد معدودی پیشرفت هم کردند، در اغلب موارد هم به توفیق الهی مغلوب و منکوب ملّت ایران شدند.

همه توجّه کنند! آخرین تلاش دشمن ــ البتّه آخرین تلاش تا حالا؛ در آینده کارهایی خواهند داشت ــ همین اغتشاشهای پاییز گذشته بود. توجّه کنید! طرّاحی این اغتشاشهای پاییز گذشته در اتاقهای فکر کشورهای غربی انجام گرفت؛ طرّاحی‌اش آنجا شد. طرّاحی جامعی هم انجام دادند؛ طرّاحی در اتاقهای فکر غربی، پشتیبانی مالی و رسانه‌ای و تسلیحاتی به وسیله‌ی دستگاه‌های امنیّتی غربی. پشتیبانی کردند؛ هم پشتیبانی مالی کردند، هم پشتیبانی تسلیحاتی کردند، هم پشتیبانی رسانه‌ای وسیع و گسترده انجام دادند. پادویی‌اش را به وسیله‌ی تعدادی از عناصر خائنی که پشت به وطن کرده بودند انجام دادند؛ پادویی‌اش را عناصری کردند که به کشورشان خیانت کردند؛ از اینجا رفتند خارج و مزدور و عامل سیاستهای دشمن ایران شدند؛ نه فقط دشمن اسلام و دشمن جمهوری اسلامی، [بلکه] دشمن ایران. یک عدّه هم پیاده‌نظامِ اینها در داخل بودند. این پیاده‌نظام ترکیبی [بود] از تعداد معدودی آدمهای مغرض، تعداد بیشتری آدمهای غافل و احساساتی و کم‌عمق و جمعی هم اراذل و اوباش؛ اینها هم پیاده‌نظام این اغتشاش بودند. از اتاقهای فکر دشمنان در کشورهای غربی بگیرید تا اراذل و اوباش خیابانهای تهران و بعضی شهرهای دیگر؛ این، مجموعه‌ی این حرکت بود. فکر همه جایش را کرده بودند؛ رادیوها و تلویزیون‌های کشورهای خارجی بی‌ملاحظه، بدون رودربایستی ساختن بمب دستی را به مردم یاد

میدادند؛ شعار تجزیه‌ی ایران را در زبانهای اینها قرار دادند؛ حرکت مسلّحانه‌ی داخل خیابانها را با سلاحهای قاچاق ترویج کردند؛ اراذل و اوباششان، جوان دانشجو یا طلبه‌ی بسیجی، یا عنصر انتظامی، یا عنصر بسیجی را در خیابان، جلوی چشم مردم با شکنجه به قتل رساندند و شهید کردند.(۱۷) توجّه کنید تا عظمت ملّت ایران و عظمت انگیزه و ایمانی که در ملّت ایران هست بیشتر روشن بشود. در داخل اراذل و اوباش این‌جور حرکت کردند، افراد مغرض آن‌جور شعار دادند، در خارج هم بعضی از سیاستمدارانِ سطوح بالای دولتی با همین دشمنها عکس یادگاری گرفتند. اینها خیال میکردند کار، تمام‌شده است. طرّاحی آنها جوری بود که فکر میکردند کار جمهوری اسلامی تمام شده، فکر میکردند میتوانند ملّت ایران را به خدمت بگیرند. احمقها باز هم اشتباه کردند، باز هم ملّت را نشناختند. البتّه ملّت ایران به آنها بی‌اعتنائی کرد، به فراخوان آنها اعتنائی نکرد. جوانهای متعهّد در خیابانها، در دانشگاه‌ها توانستند کارهای بزرگی انجام بدهند. بسیج دانشجویی، بسیج اقشار در داخل شهرهای کشور، مردم متعهّد و متدیّن، وظایف خودشان را انجام دادند، دشمن را ناکام کردند. نقشه‌ی دشمن باطل شد ولی این هشدار به همه داده شد که از کید دشمن غفلت نکنید؛ از کید دشمن غفلت نکنید!

سعی دشمن این است که جوان ایرانی را ناامید کند. خب مشکلاتی در کشور وجود دارد؛ این مشکلات را مرتّب به رخ جوان ایرانی میکشند. مشکل معیشتی هست، مشکل گرانی هست، مشکل تورّم هست؛ این مشکلات وجود دارد؛ دشمن سعی میکند این مشکلات را ــ که همه‌ی این مشکلات قابل رفع است و ان‌شاءالله رفع خواهد شد به توفیق الهی، به حول و قوّه‌ی الهی ــ ابزاری کند برای خاموش کردن نورِ امید در دل جوانها؛ در حالی که اینها عوارض قابل رفعی هستند. مشکلات نباید امید را تضعیف کند. ما اگر مشکلات را مشاهده میکنیم، باید انگیزه‌مان تقویت بشود برای پیدا کردن راه‌های رفع مشکل و کمک به آنهایی که در میدان، در مقابل این مشکلات ایستاده‌اند و برای رفع آنها دارند تلاش میکنند. البتّه ما مشکلاتی داریم امّا در مقابل آن، پدیده‌هایی داریم که همه امیدآفرین است. من به جوانهای عزیزمان عرض میکنم که دشمن نمیخواهد بگذارد که ما این پدیده‌های امیدآفرین را ببینیم. پدیده‌های امیدآفرین بمراتب بیشتر از مشکلات است: پیشرفتهای کشور در عرصه‌ی علم، در عرصه‌ی فنّاوری، در ایجاد زیرساخت‌های صنعتی و کشاورزی، در ایجاد ساختارهای بسیار مهمّ حمل و نقل، پیشرفتهای کشور در تربیت نیروی انسانی، در کشاندن فعّالیّتهای عمرانی به نقاط دوردست و محروم کشور ــ اینها الان دارد انجام میگیرد ــ در سیاست بین‌المللی، در اعتلا و عزّت ملّی، در اقتدار نظامی و دفاعی کشور؛ اینها حقایق امیدزا است؛ دشمن میخواهد ما این حقایق را فراموش کنیم، از یادمان ببریم، جوان ما از اینها مطّلع نشود. این واقعیّتها از آینده‌ی روشنی خبر میدهد.

وقتی شما راجع به امید صحبت میکنید، بعضی دوست دارند در این امیدواریِ شما با ذکر همین مشکلات

خدشه کنند؛ اگر شما از امید صحبت کنید، میگویند شما از واقعیّتها خبر ندارید. چطور ممکن است از واقعیّتها کسی خبر نداشته باشد؟ واقعیّتی که آنها میگویند، همین واقعیّتهای اقتصادی است، همین مشکلات معیشتی است؛ اینها را همه خبر دارند، همه از این رنج میبرند؛ در این شکّی نیست. بعضی برای اینکه امید را در دلها بکشند، اشاره میکنند به اینکه در لایه‌های اجتماعی، کسانی هستند که دغدغه‌ی دین و ایمان و انقلاب ندارند؛ خب بله، [امّا] مخصوص امروز نیست؛ دهه‌ی ۶۰ هم که جبهه‌ها آن‌جور مملو و سرشار از جوانهای مؤمن بود، یک عدّه‌ای در شهرهای بزرگ، در تهران، بی‌خیال و بی‌اعتنا راه میرفتند، نه فقط احساس مسئولیّت نمیکردند، مسئولین را مسخره هم میکردند! شما نگاه کنید شرح‌حال شهدا و رزمنده‌ها را؛ اینها وقتی که می‌آمدند در شهرهای بزرگ ــ بخصوص شهرهای بزرگ ــ احساس دلتنگی میکردند که [این] به خاطر همین پدیده بود. دهه‌ی ۶۰، دهه‌ی اوّل انقلاب، از این حوادث وجود داشت؛ این جای تعجّب ندارد. امروز هم البتّه هستند کسانی که نه به انقلاب، نه به اسلام و حتّی نه به تعهّد ایرانی پایبند نیستند؛ بله، امّا ملّت ایران اینها نیستند. در زمان خود رسول اکرم هم یک عدّه‌ای عاشق شهادت بودند، مشتاق جهاد بودند، اگر امکانِ رفتن به جبهه نداشتند گریه میکردند، یک عدّه‌ای هم در مدینه بودند که «مَرَدوا عَلَی النِّفاق»؛(۱۸) قرآن درباره‌ی آنها میگوید «مَرَدوا عَلَی النِّفاق»، یا یک جای دیگر [میگوید:] «لَئِن لَم یَنتَهِ المُنافِقونَ وَ الَّذینَ فی قُلوبِهِم مَرَضٌ وَ المُرجِفونَ فِی المَدینَة»؛(۱۹) در خود مدینه‌ی پیغمبر، کسانی بودند که قرآن از آنها به «مُرجِفون» تعبیر میکند؛ شایعه‌پراکنان، ترس‌پراکنان، تردیدپراکنان، شبهه‌پراکنان؛ در زمان پیغمبر! تازه در زمان پیغمبر نه اینترنت بود، نه شبکه‌های اجتماعی بودند، نه این‌همه تلویزیون بود. امروز با وجود همه‌ی این دستگاه‌ها، شما نگاه کنید ببینید جوان ایرانی چه عظمتی از خود نشان میدهد!

ما امروز در سرتاسر کشور، هزاران هسته‌ی مقاومت در مساجد و در هیئتها داریم؛ از این هسته‌های مقاومت، جوانهایی برمیخیزند به عنوان مدافع حرم، جوانهایی برمیخیزند به عنوان مدافع امنیّت، جوانهایی برمیخیزند به عنوان بسیجی دانشجو.

نقطه‌ی امیدآفرین این است که در این تلاش همه‌جانبه‌ی دشمن، شما می‌بینید در چنین شرایطی که دشمن شمشیر را از رو بسته، دانشجوی انقلابی در فلان دانشگاه فحش ناموسی می‌شنود، از میدان خارج نمیشود؛ طلبه‌ی بسیجی زیر شکنجه به شهادت میرسد، حاضر نیست حرفی را که دشمن میخواهد بر زبان جاری کند. مجاهدان فداکار، مدافعان حرم، فعّالان سخت‌کوش جهاد تبیین، گروه‌های کمک مؤمنانه، اردوهای جهادی، اینها همه جوانهای این کشورند. با وجود اینترنت، با وجود شبکه‌های اجتماعی، با وجود این‌همه لغزشگاه‌ها، جوانهای ما در این راه دارند حرکت میکنند. گاهی اوقات شما می‌بینید از یک روستا یک شخصیّت منوّر و نورانی برمیخیزد؛ از یک روستای اطراف شهریار یک جوان فداکار و نورانی مثل مصطفی

صدرزاده به وجود می‌آید. ما از این مصطفی‌ها‌ی صدرزاده در تمام سرتاسر کشور بسیار داریم، هزاران داریم؛ اینها همه امیدبخش است. ما همه وظیفه داریم؛ نخبگان وظیفه دارند؛ هسته‌های انقلابی وظیفه دارند؛ فعّالان دانشگاهی، فعّالان حوزوی، صاحبان جایگاه‌های اجتماعی بویژه کسانی که حرف آنها به گوش مردم میرسد، مردم حرف آنها را می‌شنوند، اینها وظیفه دارند؛ وظیفه این است که ایمانها را تقویت کنند، امیدها را تقویت کنند، شبهه‌ها را برطرف کنند، شیوه‌های دشمن در شبهه‌آفرینی و یأس‌آفرینی را خنثی کنند.

و من به شما عرض بکنم یکی از این شیوه‌ها بدبین کردن جوانان به مسئولان کشور، به حرکت کشور، به حرکت سیاسی کشور، به حرکت اقتصادی کشور و بدبین کردن افراد به یکدیگر است؛ این از شیوه‌های دشمن است؛ با این مقابله کنید. یکی از شیوه‌های دشمن هم بدبین کردن به انتخابات است که من درباره‌ی انتخابات آخر سال ان‌شاءالله اگر زنده بودم و توفیق داشتم بعداً عرایضی خواهم کرد. اینجا همین اندازه بگویم که این انتخابات، انتخابات بسیار مهمّی است و دشمن از همین حالا توپخانه‌های خودش را به طرف این انتخابات روشن کرده، مشغول بمباران ِ انتخاباتی است که هنوز حدّاقل نُه ماه فاصله داریم تا آن انتخابات. باید ان‌شاءالله ملّت ایران، جوانان عزیز این بیداری را، این هشیاری را، این انگیزه را، این ایمان و امید را روزبه‌روز افزایش بدهند و دشمن را ناکام کنند.

پروردگارا! به محمّد و آل محمّد، رحمت خود، برکت خود، هدایت خود و پیروزی کامل را به این ملّت عنایت بفرما. پروردگارا! روح مطهّر امام بزرگوار را با پیغمبر محشور کن. پروردگارا! ما را جزو سربازان امام زمان قرار بده. پروردگارا! قلب مقدّس آن بزرگوار را از ما راضی کن؛ دعای امام زمان را شامل حال ما، بخصوص شامل حال جوانان ما قرار بده. پروردگارا! به محمّد و آل محمّد مشکلات کشور را به دست ِ عزم و اراده‌ی و همّت مسئولان برطرف بفرما.

والسّلام علیکم و رحمة الله و برکاته

(۱ در ابتدای این مراسم، حجّت‌الاسلام والمسلمین سیّدحسن خمینی (تولیت حرم امام خمینی) مطالبی بیان کرد.

(۲ سوره‌ی رعد، بخشی از آیه‌ی ۱۷؛ «... امّا کف، بیرون افتاده از میان میرود ...»

(۳ سوره‌ی توبه، بخشی از آیه‌ی ۶۱؛ «... به خدا ایمان دارد و [سخن] مؤمنان را باور میکند ...»

(۴ سوره‌ی محمّد، بخشی از آیه‌ی ۷؛ «... اگر خدا را یاری کنید، یاریتان میکند و گامهایتان را استوار میدارد»

(۵ سوره‌ی حج، بخشی از آیه‌ی ۴۰؛ «... و قطعاً خدا به کسی که [دین] او را یاری میکند، یاری میدهد ...»

(۶ سوره‌ی حج، بخشی از آیه‌ی ۳۸؛ «قطعاً خداوند از کسانی که ایمان آورده‌اند دفاع میکند ...»

(۷ سوره‌ی رعد، بخشی از آیه‌ی ۱۷؛ «... ولی آنچه به مردم سود میرساند در زمین [باقی] میماند ...»

(۸ از جمله، سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۹؛ «قطعاً خداوند در وعده [خود] خلاف نمیکند»

(۹ سوره‌ی عنکبوت، بخشی از آیه‌ی ۲۶؛ «پس لوط به او ایمان آورد ...»

(۱۰. ر.ک: صحیفه‌ی امام، ج ۲۱، ص ۳۳۰؛ نامه به آقای منتظری (۶/۱/۱۳۶۸)

(۱۱ صحیفه‌ی نور، ج ۱، ص ۳ (۱۵/۲/۱۳۲۳)

(۱۲ سوره‌ی سبأ، بخشی از آیه‌ی ۴۶؛ «... که دودو و به‌تنهایی برای خدا به پا خیزید ...»

(۱۳ ترسناک، خوفناک

(۱۴ صحیفه‌ی امام، ج ۹، ص ۸۱؛ سخنرانی در جمع دانشجویان اروپا و آمریکا (۳۰/۴/۱۳۵۸)

(۱۵ اشاره به ماجرای قهوه‌خانه‌ی میکونوس آلمان و صدور کیفرخواست برای حجّت‌الاسلام والمسلمین اکبر هاشمی‌رفسنجانی (رئیس‌جمهور وقت)

(۱۶ دولت وقت ایران پس از واقعه‌ی ۱۱ سپتامبر (شهریور ۱۳۸۰) برای مقابله با گروه تروریستی القاعده که در افغانستان مستقر بود، به ائتلاف مبارزه با تروریسم کمک کرد امّا رئیس‌جمهور آمریکا (بوش دوّم) پس از بهره‌برداری خود از این قضیّه و حمله به افغانستان، در بهمن همان سال ایران را جزو محور شرارت نامید و تهدید به حمله‌ی نظامی نمود.

(۱۷ شعار حضّار

(۱۸ سوره‌ی توبه، بخشی از آیه‌ی ۱۰۱؛ «... بر نفاق خو گرفته‌اند ...»

(۱۹ سوره‌ی احزاب، بخشی از آیه‌ی ۶۰؛ «اگر منافقان و کسانی که در دلهایشان مرضی هست و شایعه‌افکنان در مدینه، [از کارشان] بازنَایستند ...»